

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۰۲ جولای ۲۰۱۳

## فرمانبرداران ارتجاع و سرمایه در صدد بدنامی رهبران جنبش مقاومت افغانستان!

۲۴



راسیزم، هزاره ایسم و چنگیزیسیم، قاسم مشترک بین «محقق»، «کشتمند»، «صادق» و «حسین»

۲- «انجنیر» صادق ظفر چقر در رول «سوم عقرب»!

«انجنیر» صادق ظفر چقر و مفعول که عمرش در لچکی، هرزگی و و سگ صفتی سپری گذشته است و مایه ننگ خلق شریف هزاره، جریان شعله و شعله ئی ها می باشد؛ هیچ گونه ارتباط و سابقه مبارزاتی در «جریان شعله و جنبش انقلابی» ندارد، چرا از اسم و رسم حادثه تاریخی و انقلابی «سوم عقرب» که حماسه، یادگار، میراث و افتخار روشنفکر های انقلابی در برهه ای از تاریخ مبارزات دموکراتیک و انقلابی می باشد، استفاده سیاسی و شخصی می دارند و کوشش می کنند تا بفهمانند و به هر شکل و اشکالی تحمیل دارند که وی سابقه «شعله ئی» داشته است و از سابقه خوب مبارزاتی نیز بر خوردار می باشد؟!

حالا پرسش ما از «صدر» پخپلو «انجنیر» صادق ظفر چقر مفعول جاغوری اینست که آیا آیه و آته جناب سینه به خاک و دامن بالای شان، در حادثه «سوم عقرب» به جهنم بد کارگان تاریخ رهسپار و فرستاده شده اند که سوم عقرب را مهر هزاره ایستی و چنگیزی زده و مختص به ملیت هزاره دانسته است؛ همان طوری که حادثه تاریخی چنداول را مهر هزاره ایست زد و مولانا را هزاره نامید و.....؟! او اولاد سگ و نطفه دلال و حرامزاده زانیده از بطن روسپی صورتی؛ آیا سوم عقرب میراث آیه و آته ات می باشد و یا متعلق به مردم افغانستان و من جمله به انقلابیون شعله ئی؟! باز هم پرسش دیگر ما از تو مفعول بی شخصیت و بازنگر و فاحشه سیاسی اینست، روی کدام ملحوظات، اسناد و شواهد از اسم و رسم «سوم عقرب» استفاده سیاسی می کنی؟!!

آیا این میراث را از «رویزیونیست» هائی که در المان نشریه «سوم عقرب» را منتشر می نمودند به میراث گرفته ای و یا از افتخارات حادثه تاریخی و خونین «سوم عقرب» استفاده های سیاسی می نمائی، او اولاد سگ و بی غیرت کثیف؟ به وجود آوردن فحشخانه ای زیر نام سایت «سوم عقرب» باز هم همان سنگیست که بر پای خود سازندگان آن افتاده چهره های زشت و پلید استخباراتی آنها را نمایان می سازد، زیرا:

کسانی که واقعاً مبارزه کرده اند به نیکوئی می دانند که در دوران تجاوز روسها بر افغانستان، رویزیونیست ها و اخگری ها که آن زمان بزرگترین دشمن را نه در وجود اشغالگران، بلکه در وجود پیروان «اندیشه مائو تسه دون» دانسته از تخریب و ضربت زدن آنها، حتا تا سطح لو دادن کادرهای مخفی آنها به اخوان و امپریالیزم اباء نمی ورزیدند، رسانه خبری داشتند، موسوم به «سوم عقرب». - صرف نظر از آن که چنان نامگذاری در ذات خود خلط مواضع عناصر انقلابی با رویزیونیست ها را بازتاب می داد- که به صورت عمده وظیفه اش شده بود از پاچه جنبش چپ گرفتن.

حال وقتی اینک بعد از سپری شدن حدود چند دهه، توله سگان بی هویت دیگری که به ساز «غف» و صادق جاسوس و «عمدتاً» می رقصند، باز هم همان شیپور را با همان نوا به صدا در آورده اند نباید از آنها پرسید که مناسبات آنها با نشریه «سوم عقرب» متوفا بر چه مبنائی است؟ آیا با اجازه آنها این کثافت دانی را کشوده اند و در نتیجه خود را ادامه و ارث آنها می دانند و یا این که کدام مناسباتی با آنها ندارند؟

هرگاه با اجازه آنها این کثافت دانی را کشوده اند و در واقع خود را ادامه و ارث آنها می دانند، چطور است که اندکی بر مواضع دیروز شان، یعنی مائوتسه دون زدائی اشکار و خصمانه ای که پیش گرفته بودند، و در همسویی تقابل گونه با تئوری رویزیونیستی و ضد کارگری «سه جهان»، «دو سیستم» را نشخوار می نمودند، نیز روشنی انداخته و این شرافت را وقتی خود ندارند، حد اقل از بازار های روتردام و یا امستردام خرید نموده واضح سازند که از کدام زمان بدین سو «مائویست» شده و از «خوجه ائیزم» بریده اند؟؟ این سؤال در مورد داکتر «غف» بیشتر اولویت می یابد، زیرا در تمام مدتی که «غف» آفتابه استنجاه شیخ آصف محسنی را آماده نگه می داشت، نشریه «سوم عقرب» شهادت بر رزمندگی رفیقانه وی می داد.

و هرگاه با آنها کدام رابطه ای نداشته اند، می توانند بنویسند به کدام اجازه به چنین سرقتی دست زده اند؟ آیا نباید حکم نمود که دزدی افتخارات مبارزاتی دیگران، خط مشی اصلی «مائویست» های هالندی و پاکستانی را ساخته به همان سانی که زمانی با سرقت نام «شعله جاوید» خواستند برای خود تاریخ مبارزاتی بسازند، اینک که اشتباهی شان اندکی بیشتر شده و به علاوه کوس رسوائی ارتباط آنها با کثمتند ها از بام افتاده است، خود را تا «سوم عقرب» پس کشیده اند، تا باشد رویزیونیست ها را نیز در زیر بیرق خیانت شان گرد هم آورند؟؟

۳- «انجنیر» صادق ظفر چقر در نقش یک تن از «هواداران جریان دمکراسی نوین (شعله جاوید)!

بارها سؤال کردیم که «انجنیر» صادق ظفر چقر مفعول چشمدریده و خم چشم چه وقتی هوادار جریان دمکراسی نوین (شعله جاوید) بود و با که و کدام اشخاص سرشناس شعله ئی روابط تشکیلاتی داشت؟ اما صادق مفعول «پیرو مائویسم و اساسات دیالکتیک و ماتریالیسم دیالکتیک» در کمال پر روئی جواب و پاسخی ارائه نمود تا مورد افشاء و رسوائی بیش از حدش واقع نشود!

این حیوان بی عقل و تهی از جوهر دانش و عاری از گوهر ناپیدای آدمیت متواتر رفیق مبارز و شجاع «موسوی» را متهم به استفاده از نامهای همچو پغمانی، آزاد، ل، جاوید و..... می کرد و اما رفقای انقلابی بنابر اصل دیالکتیک و پیشنهاد مبارز بزرگ و شخصیت نستوه و دانشمند شعله ئی گرانقدر استاد معززم آزاد ل. با جرأت انقلابی برای «صادق مفعول» و شرکای جرمش پیشنهاد دیدار (رو در رو) را داد تا این زنازادگان و حرامزادگان مرده گاو را غلط ثابت بسازند و اما «مفعول-غف و پس» گویا پیشنهاد را نادیده و نا خوانده پنداشته و وقعی نگذاشتند. این مادر خطا های بی پدر و جاسوس مخالف بارزشهای دیالکتیک عمل کرده و اما از دیالکتیک در کمال بی حیائی نشخوار می دارند!!! نمی دانم معنای دیالکتیک در لغت نامه آیه و آتۀ این مفعولان بی مقدار و جاسوسان بی ناموس چیست و به چه دیالکتیک میگویند؟!

در مسأله اتهام به «رفیق موسوی» همه به اتفاق هم شما نسل بی مقدار و انگلی های مزمن را به اتفاق هم در پیشگاه خلق و انقلابیون غلط ثابت ساختیم و بر دهان نجس تان شاشیدیم. حالا همچو ماچه سگان پلید علیه «رفیق توحی» پارس می کنند و وی را متهم به استفاده از اسمانی "واکمن"، "حامد بهارستانی"، "آتش" و خاکستر می کند!؟

نفرین و لعنت بر شما جاسوسان کثیف «حزب دمکراتیک خلق» بخش خاد «کشتمند» و سگان انجونیست و دروغگو ترین دغلبازان روزگار که از ناموس های تان گذشته اید و اما حاضرید به هر شکلی که شده در بد نام سازی انقلابیون مربوط جریان شعله و جنبش انقلابی همچو خوکه های (لوله و لویان) در کثافت جیغ کشید تا بادار امپریالیستی و ارتجاعی دستی بر سر تان بکشد و بگوید که (بخمل بچیم) و هم با زر و سیم از شما بی غیرتان موش صفت و ترسو که در زیر اسمای مستعار بر دهان والدین تان شاشیده اید؛ پذیرائی کنند و شما هم در ازای گذشتن از ناموس و شرف تان به مال و منال رسیده اید.

ما از «انجنیر» صادق ظفر چقر ، مفعول با نام و با نشان و دامن بالا می پرسیم که با کدام دلیل و سند موجه بپذیریم که ادعائی شما نسل حرامی و داغ ننگ بر دامن ملیت زحمتکش هزاره درست و مطابق به معیار های دیالکتیک می باشد؟ اولاد سگ و چوچه خرس «انجنیر» صادق ظفر .... «رفیق حامد بهارستانی» در کابل و در بین توده های میلیونی مشغول مبارزه دمکراتیک می باشد و قبلاوی خود را به روشنی معرفی نمود. اما چون شما خود فروخته هستید و از بطن خوک و سگ متولد شده اید نهایت مشکل است که زبان آدمیت را بدانید و بپذیرید!!!

شما با این همه لولو گری و نادانی و بی سوادی و با تعداد انگشتان دست گویا می خواهید «بهار مائویسم» را به ارمنان بیاورید؛ چرا یکی و خلص با زبان ساده نمی گویند که نخست سگان و خوکان منافع امپریالیسم و ارتجاع منطقه و ارتجاع بومی هستید و دوم جاده صافکن های حزب دمکراتیک خلق-شاخه کشتمند» می باشید و با شعله جاوید و جنبش انقلابی دشمنی دیرینه و تاریخی دارید؟

یک مسأله که جلب توجه کرده است اینست که صادق پخپلو چنان نشان می دهد که «شورش»، «سوم عقرب» «یک تن از هواداران.....»، «سازمان مرده گاو.....» و .....تشکلات جداگانه سیاسی اند و صادق پشت تنها و تنها «مسؤول» «شورش» است و بس!!! عجب احمق و خری نادان. ههههههههههههههه



را می داند و نه از آدمیت بوئی برده است و تنها چیزی را که می داند و تعلیم یافته است که چگونه برای پدران خارجی اش جاسوسی نماید و چگونه عناصر ملی و انقلابی را بد نام سازد و مهمتر از همه چطور تحت اسم «مائوسم» در بد نامی اندیشه مائوتسه دون به نفع ارتجاع و امپریالیسم بر قبر پدرش بشاشد!!!

به اثر این همه تبلیغات و جست و خیز ها و ده ها بی ناموسی، مادر خطائی و پدر سگی و..... نتوانست که کوچکترین خدشه ای به این اندیشه فنا ناپذیر وارد سازد و یک نفر هم جذب نماید؛ زیرا مارکسیست لنینیست های پیرو اندیشه مائوتسه دون در یک صف متحد از این اندیشه دورانساز به دفاع برخاستند و «غف و مفعول و پس» را رسوا تر از گذشته ساخته و طشت رسوائی شان را از بام بلند سرنگون ساختند.

چرا صادق مفعول از یک آفتابه گیر وضوی شیخ آصف محسنی و یک خلقی کثیف و بی ناموس همچو داکتر غفور ثنا- سنا «غف» به دفاع برخاسته است و برای یک جاسوس وطن فروش و جلاد پلید، ارج و احترام می گذارد و چرا «داکتر غف» در هیچ مقطعی از صادق مفعول و حسین جاسوس به دفاع برخاسته است؟!

این که صادق جاسوس و بی ناموس از «سابقه مبارزاتی» «داکتر» غفور رفیق و توبره بردار داکتر زرغون خلقی دفاع می کند و کوشش می کند تا ثابت بسازد که «غف» به اصطلاح روزگاران «شعله ئی» بوده است و در کنار «شهید اکرم یاری» مبارزات انقلابی کرده است؟!

ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک حکم می کند که بر مبنائی کدام سند و شواهد؟!

«صدر» که تمام آثار علمی، تئوریک، ادبی و فلسفی اش را گویا از ترس رفقای باورمند به دیالکتیک، خلقی و خادی و پرچی های جنایتکار و باداران روسی اش در آدرس نا مشخصی پنهان کرده بود. هههههههه چرا آدرس مخفیگاه گنجینه اش را برای «غف و یا پشت و یا پس» مشخص نساخته بود تا نه تنها آنها بل همه انقلابیون از آن اسرار انقلاب و «مائوسم» پی می بردند و چراغ رهنما و رهگشایش می انگاشتند؛ که چنین نشد و «آثار» مفقود الاثر گشت. ههههههههههههه

این که صادق پشت و غفور سناچ و پ-ستیز «پس» مدعی «مائوسم» اند و غلام بچه دربار را رهبر و بنیانگذار «مائوسم» در افغانستان معرفی می دارند؛ بر رؤیت و بر وفق کدام اسناد و دلایل موجه دست به چنین گستاخی بی شرفانه ای زده اند؟

در طرز گفتار، عمل، طریقت و روش شان اثری از ماتریالیسم دیالکتیک و معیار های دیالکتیک مشاهده نمی شود به جزء دروغ و تهمت، توهین و ترور شخصیت و بی ناموسی و زنازدگی عربان!

اگر این بی ناموسان بی وقار و بی شخصیت از بطن صورتیان درباری زائیده نشده و نطفه اغیار نبوده و چراغکش و جاسوس نیستند با آوردن شاهدان و اسناد تاریخی ثابت بسازید؟ اگر شواهد و اسناد قابل قبول دارید پس منتظر چه هستید؛ و خود را از این رسوائی تاریخی برهانید و برای تان ذره ای شرافت بخرید، و در غیر آن بدون دلیل و برهان و زبان گویائی سند، همه لاف و پف و تعریف و تمجید تانرا گوزیدن در انظار می شماریم!!!

«انجنیر» صادق ظفر بی ناموسی که به جزمفعولی، ولگردی، لواطت، چراغکشی، دزدی، جاسوسی، ناموسفروشی، زنفروشی، دختر فروشی، مادر فروشی هیچ نوع افتخار و عملکرد انسانی و انقلابی ندارد با پشتیبانی از (چهل آب صاف- چل اوصاف) زنگ زده ای همچو «غف» و خری بی خرد همچو «پس» می خواهد برایش آبرو و هویتی جست و جو دارد و این سگ بی وقار و فاقد ادب فامیلی و اجتماعی نمی خواهد ببذیرد که مروارید اگر یکبار آبش بریزد بی ارزش می شود!!!

اتکاء به داکتر سناچ غف یعنی اتکاء کردن بر خس و خاشاک و یعنی اتکاء بر مردابی در کنار بیت الخلاء!

اگر امروز «انجنیر» صادق ظفر چقر و مفعول از طریق ورای مجازی با اسمائی «شورش، یک تن هواداران.....»، سوم عقرب و ماثویستهای افغانستان «گستاخانه بر هر پدیده ای و هر جنبنده ای زنجیر پاره می کند و عفو و جف و غف می زند این راه وی را به کجا خواهد کشانید؛ آیا صادق پشت با این شادی بازبهاش که به نقطه نیرنگی بدل گشته است با دو سه کپ و کوپ و گوزوک خلقی و انجویست و چرسی و بنگی تحت نام ماثویسم واقعاً خواهند توانست «انقلاب ماثویستی» را رهبری و به پیروزی برسانند؟ ههههههههههههه

هرگز نه، زیرا این ها چند تا روسپی و مفعولان سیاسی و اجتماعی بوده نه از پشتیبانی توده ها بر خوردار اند و نه مربوط و متعلق به اکثریت خلق های تحت ستم کشور می باشند. به صراحت لهجه می توان داد زد که این سگان دهنردیده هیچ چیزی نبوده و تنها لافزن ها و رجز خوانانی بیش نیستند و خود دانند که در بین خلق افغان نا آشنا و بیگانه اند.

صادق، یعنی موجودی تهی شرف، اخلاق و غیرت. یعنی کسی که در دکان آنها متاعی به نام شرم وجود نداشته و ندارد؛ در غیر آن وقتی از نام جوره خواست سوءاستفاده نموده به اصطلاح لشکر خاینانش را گسترده نشان دهد، و جوره با یک ضربت «رفیق موسوی» به دو جوره تقسیم شد، می بایست پند می گرفت که بیش از آن حقه بازی و فلوته بازی نکند، مگر آدم ... کجا و شرم کجا و پند گرفتن از گناهان خود و دیگران کجا؟؟؟

این که صادق مفعول از پاچه «سوم عقرب» گوز می زند و منکر می شود که «سایت» و ایمیلی به اسم باز نکرده و از عکس استفاده های نا مشروع نکرده است؛ پاسخ روشن است که صادق مفعول اگر غیرت، عزت شرافت می داشت جوهر مردانگی اش را در چهارده سالگی از دست نمی داد. اگر صادق ظفر بی ناموس چراغکش و مرده گاو بر حال نمی بود نخست زن و دخترانش را در حجله منقلی های ایرانی به نمایش و در معرض استفاده های مشروع و غیر مشروع نمی گذاشت و دوم زن و دخترانش را به شکار و ترور شخصیت «میرویس ودان محمودی» به مصاف نمی کشید و سوم در قبور نا مطهر جد و نطفه گذار و آن که از بطنش چشم در جهان گشوده ای خوکه های «شانگهای» بشاشد که تو پدر سگ مادر خطاء چقدر پست و دروغگو می باشی؟! چون ... دادی؛ بدانجهت دروغگو، حقباز، دوسیه ساز و دسیسه ساز و یک موجود کثیف و نیرنگباز می باشی.

قبلاً خواستم که ویدئوی «تظاهرات» روز گارگر را در معرض دید ما قرار داده و اما تو پدر سگ مادر خطا دو سه قطعه عکس دختران و بچه ات را با در دست داشتن شعار های سرخ به دری به نمایش گذاشتی و متذکر هم شدی که هزاران کارگر هالندی در تظاهرات اول ماه می اشتراک ورزیده بودند. در حالی که در عکسها به وضاحت کمتر از چند ده نفر را نشان می دهد. تظاهر کنندگان شعار های به زبان خارجی را حمل می کردند و اما فرزندان هلاکو- تیموجن و چغتای مخالف با حرکت تظاهر کنندگان برای عکسبرداری اکت و ادا در می آوردند. پرسش ما از صادق مفعول اینست که آیا زبان مردم «هالند» دری/پارسی است؟

اگر جرأت داری که نداشتی و نداری ویدئو تظاهرات ماه می را به نمایش بگذار؟  
ادامه دارد.....

میرویس ودان محمودی